گفت‌وگو با نویسنده کتاب «مبادله» که درباره روزهای پرالتهاب حضور داعش در عراق است

داستان درد، شجاعت و انسانیت

نیایش احمدی | رمان «مبادله» روایتگر پیوند میان ایمان، شجاعت و عشق در میانه روزهای پرآشوب عراق پس از ظهور داعش است. در این داستان، «بابا شریف» استاد آینه‌کار ایرانی در جریان مرمت حرم امام حسن عسکری(ع) به اسارت داعش درمی‌آید و پسر نوجوانش، طاها با دلی پرامید راهی سفری خطرناک می‌شود تا او را نجات دهد. این اثر اگرچه در بستر تاریخی معاصر می‌گذرد، اما لایه‌های عمیق‌تری از معنویت، صبر و انسان‌دوستی را بازتاب می‌دهد. «مبادله» به تازگی توسط به‌نشر منتشر شده و در بازار کتاب موجود است.

منیژه پدرامی؛ نویسنده، مدرس نویسندگی خلاق و پژوهشگر ادبیات کودک و نوجوان است. او متولد ۱۳۴۹ در تهران است. در ۱۷سالگی نخستین رمان علمی- تخیلی‌اش با نام «مسافران کهکشان» را منتشر کرد و از همان زمان نوشتن برایش تبدیل به زیستن شد. «دزد کتاب» و «کریستال سبز» از جمله آثار او است. در گفت‌وگوی پیش‌رو، این نویسنده از شکل‌گیری ایده «مبادله»، تجربه‌هایش در نویسندگی برای نوجوانان، نگاهش به ادبیات دینی و دغدغه‌هایش درباره وضعیت نشر و آموزش خلاقیت سخن گفته است.

منیژه پدرامی درباره شکل‌گیری ایده رمان «مبادله» می‌گوید: «من در محافل و جلسات نقد و گفت‌وگو میان نویسندگان رفت‌وآمد داشتم. در یکی از نشست‌ها، پیشنهادی مطرح شد تا ۱۴ نویسنده، هر کدام برای یکی از ۱۴ معصوم(ع) داستانی بنویسند. قرار بر این بود که آثار برای نوجوانان نوشته شوند؛ یعنی ماجراهایی درباره نوجوانانی که در مسیر زندگی خود با مسائل اخلاقی و معنوی روبه‌رو می‌شوند. تمرکز مستقیم بر معصومان(ع) نبود، بلکه هدف اشاره غیرمستقیم به ایشان و انتقال مفاهیم درونی و اخلاقی از طریق داستان بود».

وی توضیح می‌دهد: «در داستان من، ماجرا در شهر سامرا اتفاق می‌افتد. نوجوانی در جریان سفر خود در این شهر ساکن می‌شود و برای آرامش، وارد حرم و سرداب می‌شود. هدف این بود که در لایه‌های زیرین روایت، ارتباطی روحی و معنوی میان نوجوان و فضای قدسی حرم شکل بگیرد. در دل ماجرا از صبر، تحمل و شکیبایی گفته‌ام، بی‌آنکه روایت حالت آموزشی یا مستقیم پیدا کند».

■از واقعیت جنگ تا درام انسانی

او درباره انتخاب بستر مکانی و زمانی رمان توضیح می‌دهد: «برای اینکه اثر جذاب‌تر و دراماتیک‌تر شود، تصمیم گرفته شد فضای عراق در دوران حملات داعش انتخاب شود. پیشنهاد شد پدر نوجوان داستان در یکی از انفجارها به دست نیروهای داعش از بین برود تا درام اثر عمیق‌تر شود. ماجرا مربوط به سال ۱۳۹۴ است، زمانی که حملات داعش در عراق به اوج خود رسیده بود. نگارش نهایی در سال‌های ۱۳۹۸ و ۱۳۹۹ انجام شد؛ هر چند در آن زمان، فعالیت داعش کمرنگ‌تر شده بود اما در سامرا هنوز نشانه‌هایی از حضورشان وجود داشت. در روند نوشتن، تحقیقاتی درباره وضعیت عراق و آن دوران انجام دادم، ولی هدفم تمرکز بر داعش یا نمایش خشونت آن‌ها نبود. تمرکز اصلی بر سفر نوجوان، چالش‌ها و رشد شخصیتی او بود. او در دل ناامیدی و بحران، کارهایی را انجام می‌دهد که بزرگ‌ترها از آن ناامید شده‌اند. نجات پدر، نمادی از امید، اراده و ایمان او است».

■تکیه بر واقعیت با چاشنی تخیل

او درباره استفاده از منابع تاریخی و تخیل در اثرش می‌گوید: «در این رمان قصد نداشتیم به تاریخ یا اسناد خاصی تکیه کنیم. فقط از زمان و موقعیت مکانی به عنوان بستر داستان استفاده کردیم تا روایت در فضای واقعی‌تری شکل بگیرد. بخش‌هایی از ماجرا اما از واقعیت الهام گرفته‌اند. مثلاً حادثه بمب‌گذاری در حرم واقعاً اتفاق افتاده بود و من از آن استفاده کردم. پدر داستان هم که در مرمت حرم فعالیت دارد، بر اساس واقعیت نوشته شده است. در واقع، افرادی بوده‌اند که در جریان چنین انفجارهایی گروگان گرفته شدند یا به شهادت رسیدند. مرمت برای خیلی از افراد فقط یک کار فنی نیست، بلکه نوعی مسئولیت دینی و معنوی است. بسیاری از کسانی که در حرم‌ها کار می‌کنند، آن را عبادت می‌دانند. مثلاً هنرمندی را می‌شناسم که در حرم مطهر امام رضا(ع) مشغول اجرای نقاشی دیواری بزرگی است. این روحیه خدمت و بازسازی همیشه وجود داشته، چون حرم‌ها در طول تاریخ آسیب‌های زیادی دیده‌اند و نیازمند ترمیم مداوم بوده‌اند. همین موضوع برای من الهام‌بخش بود و در بطن روایت، به‌صورت نمادین به آن پرداخته‌ام».

این خانم نویسنده درباره توصیف‌های دقیق و جزئی‌نگرانه‌اش از فضاهای شهری و مذهبی عراق می‌گوید: «من خودم به سامرا رفته‌ام و به زائر اجازه داده نمی‌شود در شهر تردد کند به خصوص برای ایرانی‌ها این سخت‌گیری‌ها بیشتر است اما با کسانی که در سامرا زندگی کرده‌اند و آن فضا را از نزدیک دیده‌اند، گفت‌وگو کردم. اصطلاحاتی که در کتاب آورده‌ام، واقعی است و از زبان همین افراد شنیده‌ام».

■تغییر نسخه اصلی و آسیب به روح اثر

در ادامه این گفت‌وگو پدرامی از تجربه تلخ خود در روند انتشار «مبادله» سخن می‌گوید و توضیح می‌دهد که نسخه چاپ شده تفاوت زیادی با نسخه اصلی او داشته است: «نسخه اولیه کتابی که من تحویل دادم با چیزی که بعداً چاپ شد، کاملاً فرق داشت که به فضاسازی و ساختار اثر آسیب زد. اسناد این موضوع هم موجود است. نسخه اصلی شامل تصویرسازی‌ها، کشمکش‌های بیشتر و پایان‌بندی لطیف‌تری بود که در آن پدر نجات پیدا می‌کرد و راز راحله برملا نمی‌شد تا شأن و حرمت این دختر عراقی حفظ شود. در پایان واقعی، قاسم‌خان زمینه‌ای فراهم می‌کند تا راحله به عنوان خادمه به حرم مطهر امام رضا(ع) بیاید و در آنجا ساکن شود. اما در نسخه چاپ شده، این لطافت از بین رفت و پایانی قرار گرفت که از نظر من بی‌احترامی به زن است. در جلسه نقد، وقتی نسخه نهایی را دیدم، حیرت کردم و حتماً باید در چاپ دوم اصلاح شود، چون این حق معنوی نویسنده است».

این خانم نویسنده همچنین از تغییر نام اثر بدون رضایت خود گله‌مند است: «حتی نام کتاب را هم عوض کردند. من عنوان‌هایی مثل «خورشید در زندان» یا «کاشی شکسته» را پیشنهاد داده بودم که هم با حال و هوای داستان هماهنگ بود و هم برای نوجوان جذابیت داشت. اما نامی گذاشتند که نه‌تنها با فضای نوجوان سازگار نیست، بلکه داستان را لو می‌دهد. مسئول مربوط که نسخه اصلی را خوانده بود، از این همه تغییر شگفت‌زده شد و گفت چرا باید اثری با این همه تصویرسازی و کشمکش، این طور دگرگون شود. این تصمیم‌ها برایم واقعاً تلخ بود».

پدرامی با گلایه از روند انتشار این کتاب هم می‌گوید: «این کار مربوط به سال ۱۳۹۸ است. اما تأخیر طولانی در چاپ سبب شد بخشی از ارتباط اثر با نسل مخاطب از بین برود. نوجوان سال ۹۸ با نوجوان امروز کاملاً فرق دارد. اگر قرار بود امروز بنویسم، حتی شعرها، لحن و نوع ارتباط میان شخصیت‌ها را تغییر می‌دادم. نوجوانان امروز متفاوت فکر می‌کنند و زبان و ذائقه دیگری دارند. ما اگر بخواهیم آنان را جذب کنیم باید صادق باشیم، با آنان همراه شویم، دنیایشان را بشناسیم، انیمه ببینیم، مانگا بخوانیم و در عین حال راه درست را نشان دهیم. من سه دهه است که با نوجوانان کار می‌کنم، هم معلم بوده‌ام و هم در حوزه نویسندگی خلاق فعالیت دارم، پس خوب می‌دانم که باید در مسیرشان گام برداشت، نه اینکه مقابلشان ایستاد».

■پرهیز از مستقیم‌گویی برای نوجوان

نویسنده کتاب «مبادله» در پاسخ به اینکه چگونه می‌توان مفاهیم عمیق دینی را بدون پیچیدگی و مستقیم‌گویی به نوجوان منتقل کرد، با تأکید بر ضرورت شناخت این نسل می‌گوید: «باید نوجوان را شناخت. من ۲۰ سال است کارم همین است و با نوجوانان زیادی در ارتباط بوده‌ام؛ چه از طریق معلمی و چه در کلاس‌های نویسندگی خلاق. در کلاس‌ها به شاگردانم می‌گویم دعا کنند، اما هیچ وقت به آن‌ها خط نمی‌دهم؛ فقط می‌گویم هر طور خودتان می‌خواهید با خدا حرف بزنید. ما باید اول عشق و محبت خدا را در بچه‌ها پررنگ کنیم و بعد دین را. چون خداوند پیامبران و امامان را برای الگو بودن فرستاده است تا از سیره‌شان در زندگی بیاموزیم. اگر واقعاً زندگی آن‌ها را ببینیم، متوجه می‌شویم همه چیز در وجودشان عشق و مهربانی بوده است».

او با اشاره به نمونه‌ای از رمان خود بیان می‌کند: «در مبادله هم تلاش کردم طاها، شخصیت نوجوان داستان، در مسیرش محبت ببیند؛ اینکه چطور مردم به حرم امامان می‌روند و با آرامش بازمی‌گردند. در روایت‌های مربوط به امام حسن عسکری(ع) نیز صبر و شکیبایی را می‌بینیم؛ با وجود آنکه در حصر بودند، باز هم کارشان را پیش بردند، کمک کردند و هدایت را ادامه دادند».

■ضعف ادبیات دینی و تاریخی نوجوان در ایران

او درباره وضعیت امروز ادبیات دینی و تاریخی نوجوان در ایران نظر صریحی دارد و می‌گوید: «من به شاگردانم همیشه می‌گویم باید کاری کنید که روح کلام را منتقل کنید. اول درباره هر چیز تحقیق کنید و بعد آن را در لایه‌های پنهان داستان بیاورید. مثلاً وقتی برای عاشورا می‌نویسیم، حتی برای بچه‌های کوچک، باید عشق و محبت امام حسین(ع) و خاندانش را نشان دهیم، نه خشونت را. بچه‌های کوچک نباید خشونت را درک کنند. وقتی بزرگ‌تر شدند، خودشان باید بفهمند که پشت آن ظلم‌ها چه حکمت‌هایی نهفته بوده است».

او ادامه می‌دهد: «متأسفانه بعضی از آثاری که نوشته می‌شود، خیلی رو و مستقیم هستند و حالت اغراق‌آمیز پیدا می‌کنند. این آثار باید در سطح درک بچه‌ها باشند تا آن را حس کنند. در ادبیات کودک و نوجوان ما ضعف زیادی وجود دارد، چون نتوانسته با ترجمه‌ها رقابت کند. یکی از دلایلش همین محدودیت‌ها و آسیب‌هایی است که در مسیر انتشار به آثار وارد می‌شود. میان نویسنده و نوجوان یک شکاف بزرگ وجود دارد. اگر بتوانیم این شکاف را پر کنیم، موفق خواهیم شد و آثارمان به چیزی نزدیک می‌شود که نوجوان واقعاً می‌خواهد».

یاد

برای درگذشت هادی مرزبان؛ کارگردانی از آخرین بازماندگان نسل طلایی تئاتر

وفادار به هویت ایران

گروه فرهنگ | هادی مرزبان نازنین هم رفت. کارگردانی که تئاترهایش زمانی سالن‌های تئاتر شهر و تالار وحدت را پر می‌کردند و به خصوص در میان علاقه‌مندان هنر نمایش، او استاد به نمایش درآوردن آثار اکبر رادی، بزرگمرد نمایش‌نامه‌نویسی ایران شناخته می‌شد. مرزبان یکی از کارگردانان قدیمی تئاتر بود که سابقه سال‌ها فعالیت در تئاتر و تلویزیون را داشت. این هنرمند قدیمی در تاریخ ۲ آذر ۱۴۰۴ به دلیل ناراحتی لوزالمعده در تهران درگذشت.

مرزبان که در سال ۱۳۲۳ در شهر سبزوار استان خراسان رضوی به دنیا آمده بود کار تئاتر را از سال ۱۳۴۵ آغاز کرد. مرزبان در طول بیش از چهار دهه فعالیتش در عرصه هنر نمایش‌نامه‌های زیادی از اکبر رادی را روی صحنه برده بود. اجرای نمایش‌های «لبخند باشکوه آقای گیل»، «پلکان»، «خاطرات هنرپیشه نقش دوم»، «خانمچه و مهتابی»، «باغ شب‌نمای ما»، «شب روی سنگفرش خیس»، «آهسته با گل سرخ»، «نوبت دیوانگی»، «آمیز قلمدون»، «هاملت با سالاد فصل»، «سیمرغ»، «میر عشق»، «بنگاه تئاترال» و... در کارنامه این هنرمند دیده می‌شود.

مرزبان درباره آغاز فعالیتش بیان کرده بود: «شانس بزرگی که من و همدوره‌ای‌هایم آوردیم این بود که آن سال‌ها اسکویی از روسیه بازگشته بود و سیستم استانیسلاوسکی مدرن را به ایران آورد. ما مبانی و اصول بازیگری و کارگردانی را با اسکویی گذراندیم. اسکویی دست ما را گرفت و در واقع چشم ما را به تئاتر دنیا باز کرد. اسکویی عادت داشت برای هر نقشی دو بازیگر انتخاب کند. خودش هم یک نقش را بازی می‌کرد. نقش من در آن تئاتر شاه سمنگان بود. نمایش ما در دانشکده آمفی تئاتر هنرهای زیبا بود، اما تا آخرین اجرا بازی در آن نقش را به من سپرد».

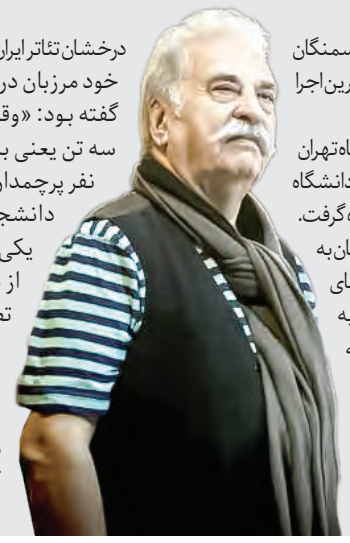

مرزبان دوره کارشناسی تئاتر را در دانشگاه هنرهای زیبای دانشگاه تهران پشت سر گذاشت. مدتی هم برای تحصیل در رشته تئاتر به دانشگاه برونل لندن رفت و مدرک کارشناسی ارشد تئاتر را از این دانشگاه گرفت. اما پیش از سفر به خارج از کشور مدتی زیر نظر حمید سمندریان به آموزش تئاتر مشغول بود. هادی مرزبان از نسلی است که پایه‌های تئاتر مدرن در ایران را مستحکم کرد و توانست تئاتر را تبدیل به یکی از اجزای مهم فرهنگ ایران کند. علی نصیریان، عزت‌الله انتظامی، فرامرز صدیقی، ایرج راد، ولی شیراندامی، فرانک دولتشاهی، پروین دهقانی و... این نسل از بازیگران در کنار نمایش‌نامه‌نویسان و کارگردانان بزرگ و خلاقی مانند بهرام بیضایی، اکبر رادی، غلامحسین ساعدی و... یکی از دوره‌های درخشان تئاتر ایران را رقم بزنند.

خود مرزبان درباره اهمیت این نویسندگان در تئاتر ایران گفته بود: «وقتی از تئاتر نوین ایران سخن می‌گوییم یاد سه تن یعنی بیضایی، رادی و ساعدی می‌افتیم. این سه نفر پرچمداران تئاتر نوین ایران هستند. رادی را از دوران دانشجویی با نمایش‌نامه‌هایش می‌شناختم. در یکی از شب‌های سرد زمستانی سال ۶۳ با یکی از دوستان به دیدار او رفتم و از همان شب تصمیم به اجرای نمایش پلکان گرفتم که تا امروز ادامه داشته است. وقتی وارد دنیای رادی شدم پی بردم که روی دست رادی دیالوگ‌نویس نیامده است. او از بزرگان بدون جانشین است. دیالوگ‌هایش مثل کاشی‌کاری‌های گنبدهای اصفهان دقیق است. شخصیت‌های نمایش‌نامه رادی برای مردم قابل لمس هستند».

مرزبان هفت تا هشت نمایش از اکبر رادی را (بعضی از آن‌ها را دو بار) روی صحنه برده است. مهم‌ترین و جنجالی‌ترین این اجراها هم اجرای «تانگوی تخم‌مرغ داغ» بوده است.

این هنرمند برخلاف همدوره‌ای‌هایش چندان در سینما فعال نبود. در کارنامه کاری او ۱۵ یا ۱۶ فیلم سینمایی به چشم می‌خورد که بسیاری از آن‌ها هم مربوط به دهه‌های ۶۰ و ۷۰ شمسی است. مرزبان البته در تلویزیون فعال‌تر بود. او در سریال‌های مشهوری مانند شاه شکار، امیرکبیر، وزیر مختار، تنهاترین سردار و پهلوانان نمی‌میرند بازی کرد.

اما عمده‌ترین حوزه فعالیت مرزبان تله‌تئاتر بود. مرزبان تله‌تئاترهای زیادی را ساخت که در سال‌های مختلف از تلویزیون پخش شدند.

مرزبان برخلاف همدوره‌ای‌هایش (نصیریان، انتظامی، صدیقی و...) چندان میان عامه مردم شناخته شده نبود، اما برای آن‌هایی که تئاتر را به صورت حرفه‌ای دنبال می‌کردند یکی از مهم‌ترین کارگردانان تئاتر ایران بود. او با اجرای نمایش‌نامه‌های ایرانی به مطرح شدن نمایش‌های ایرانی میان نسل جوان کمک بزرگی کرد.

با درگذشت مرزبان یکی از معدود چهره‌هایی که مسئله اصلیشان تئاتر و نمایش بود از میان ما رفت. چهره‌هایی که هنر برایشان دغدغه بود و حاضر نبودند به هر کاری برای شهرت و ثروت تن بدهند.

برگ سبز خودرو سواری سمند EF7 مدل ۱۳۹۱ به رنگ سفید روغنی پلاک انتظامی ۳۲ایران ۶۵ص۵۶۹ شماره موتور ۱۴۷۹۱۰۱۱۲۹۶ شماره شاسی NAACR1HSXCF511289 به مالکیت فاروق مالدار مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد. تربت جام
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۰۰

سند مالکیت(برگ سبز) و کارت شناسایی کامیونت ون زامیاد Z24NIM مدل ۱۴۰۲ به رنگ آبی و شماره موتور M2495237 6M به شماره شاسی NAZPL140TP073381 0 و شماره پلاک ایران ۲۴ _ ۳۲۳ د ۶۷ به مالکیت زینب نظام دار مفقود واز درجه اعتبار ساقط گردیده است
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۰۴

سند کمپانی خودرو سواری هاچ بک به سیستم جک و تیپ AT-1/5-S5 مدل ۱۴۰۲ به رنگ سفید -روغنی به شماره موتور HFC4GC16DP3618953 و شماره شاسی NAKSH7626PB117012 به شماره پلاک ۳۸-۳۳۲ ب ۷۸ بنام علیرضا قره پور مفقود و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۰۶

کارت سلاح شکاری ساچمه زنی تک لول شماره سلاح ۹۰۰۳۰۰۴۹ و شماره کارت ۲۵۷۹۱۲۸ متعلق به اینجانب محمدرضا نادری شجاع مفقود و ازدرجه اعتبارساقط می‌باشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۱۰۸۷

کارت و برگ سبز و سند کمپانی سواری سیناد ال ایکس ای۱/۶به شماره انتظامی ایران ۲۶ - ۶۶۳ ق ۴۶ و شماره شاسی KKS810574 و شماره موتور K4MA690D144291 بنام مریم پیری به شماره ملی ۴۸۵۹۳۳۳۲۲۵مفقود و اعتبار ندارد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۹۶

برگ سبز خودرو سواری ساینا مدل ۱۴۰۱ به رنگ سفید به پلاک ۳۲۴ ج ۶۵ ایران ۷۴ و شماره موتور M15/9831234 و شماره موتور NAS851100N5768610 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد .
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۹۸

برگ سبزخودرو سواری ریو تیپ FLUENCE مدل ۲۰۱۷ به رنگ سفید روغنی و شماره موتور M4RJV114N464885 و شماره شاسی VF1LZLJ69HR594004 و شماره پلاک ۴۳۵ ب ۹۶ ایران ۷۴ به مالکیت محسن امین زاده مفقودوازدرجه اعتبارساقط میباشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۲۸

اصل سندکارخانه موتورسیکلت تیزپر مدل ۱۴۰۳به شماره پلاک ۸۵۹ ایران ۴۱۷۴۹ به رنگ زرشکی به مالکیت محمدتقی نصیری نژاد فرزند حسین مفقود و از درجه اعتبار ساقط میباشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۲۰

برگ سبز خودرو سواری سپند پی کی آی مدل ۱۳۸۴ رنگ نوک مدادی روشن متالیک به شماره موتور M1313111011 شماره شاسی ۰۵۷۵۲۰ و شماره پلاک ۸۴۷ج۶۴ ایران ۱۲ بنام محمد حسن عارف زاده مفقود و فاقد اعتبار می‌باشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۲۶

برگ سبز و کارت خودرو سواری پژو ۴۰۵ مدل ۱۳۹۴ بشماره انتظامی ایران ۶۸ _ ۸۶۴ ژ ۵۱ شماره موتور 124K0751798 شماره شاسی NAAM01CE9FH253853 به نام محسن قلی ئی با کد ملی ۰۰۶۸۵۴۲۵۵۰ مفقود واعتبار ندارد
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۲۱

کارت دانشجویی اینجانب پارسا راهنما فرزند علی به کد ملی ۰۷۵۰۱۹۸۶۳۱ و شماره دانشجویی ۴۰۱۱۳۳۰۰۱۷ دانشجو رشته مهندسی برق از مجتمع آموزش عالی فنی مهندسی اسفراین مفقود و فاقد اعتبار است.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۱۰

کارت دانشجویی اینجانب علی رضا علی داد فرزند مصطفی به کد ملی ۴۶۷۰۳۶۹۰۵۹ و شماره دانشجویی ۴۰۱۱۳۳۰۲۹۹دانشجو رشته مهندسی برق از مجتمع آموزش عالی فنی مهندسی اسفراین مفقود وفاقد اعتبار است.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۰۸

برگ سبز و سند کمپانی سایپا خودرو سواری پراید تیپ 131SE سال ساخت ۱۳۹۵ بشماره موتور M1356745927 و شماره شاسی NAS412100G1239151 بشماره پلاک ایران ۲۰ - ۳۵۲ هـ ۸۶ بمالکیت مریم آرمند به کد ملی ۰۴۸۰۸۳۸۸۹۵ مفقود از درجه اعتبار ساقط است.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۲۲

کلیه مدارک موتور سیکلت ایران دوچرخ ارشیا مدل ۱۳۹۴ به رنگ مشکی به پلاک۱۲۸_ ۷۶۳۵۹ به شماره موتور NBD80585 4۰۱۴۹به شماره شاسی NBD150A9400579 مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۶۹۷

کارت دانشجویی اینجانب امیرحسین ولی پور فرزند علی به کد ملی ۶۰۷۰۰۵۰۷۶۲ و شماره دانشجویی ۹۹۱۳۰۳۰۵۶۶دانشجو رشته مهندسی برق از مجتمع فنی مهندسی اسفراین مفقود و فاقد اعتبار است
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۶۹۹

برگ سبز سواری سایپا 132SE مدل ۱۳۹۷ رنگ سفید روغنی به شماره موتور M13/6173484 و شماره شاسی NAS421100J1245583 و شماره پلاک ایران ۴۲ - ۹۴۳ ل ۶۵ به نام رسول بخشی مقدم مفقود شده و اعتبار ندارد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۷۱۳

کارت کار اینجانب جلال علیزاده فرزند نوراحمد به شماره گذرنامه OA4566459 مفقود واز درجه اعتبار ساقط است.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۳۶۹۲

کارت سلاح شکاری ساچمه زنی دولول کنارهم مربوط به سلاح شماره DSH7800715شماره کارت ۲۵۹۲۳۰۵متعلق به اینجانب حسین زاوگی مفقودوازدرجه اعتبارساقط می‌باشد.
آگهی مفقودی ۱۴۰۴۱۱۰۸۶

مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس
اچاپ افست | چاپ شیت | چاپ رول | یووی |
| سلفون | لیتوگرافی | صحافی | برش |
مجهزترین چاپخانه شرق کشور با پرسنل حرفه‌ای
۰۵۱-۳۷۰۸۸
مشهد مقدس، بلوار سجاد، نبش سجادیک
(واحد سفارشات مؤسسه فرهنگی قدس)